

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد
۰۱ می ۲۰۲۲

اول ماه مه، از نظرگاه دیگر

تشخص سیاسی طبقه کارگر در اعتراض به نابرابری‌ها و کسب مطالبات پایمال شده است. خصلتش همراهی و همگامی با دیگر جنبش‌هاست و نیز پیداست که در تاریخ جامعه کارگری، هزاران اعتصاب و بازخواست به ثبت رسیده است که هر یک بیانگر خواست و نگاه سیاسی طبقه کارگر نسبت به طبقه سرمایه‌داری است. اول ماه مه [روز جهانی کارگر]، در چنین چهارچوب و افکاری شکل گرفته است و نشان داده است که مدارائی با سرمایه‌داران و استثماریان، فاقد جایگاه است.

شالوده اول ماه مه اینگونه پی ریخته شده است و بی‌علت نیست که هر ساله، میلیون‌ها انسان مدافع حقوق برابر، به همراه کارگران به خیابان‌ها می‌آیند و جدا از گرامیداشت این‌روز، خواهان نابودی نظام‌های سرمایه‌داری در سرتاسر جهان‌اند. بی‌تردید جامعه ایران هم به‌مانند دیگر جوامع سرمایه‌داری شاهد بزرگداشت این‌روز و طرح مطالبات پایمال شده کارگران است. متأسفانه آن‌قدر اوضاع کارگران ایران وخیم و آن‌قدر بیکاری، تعرض، تهدید، توهین، اخراج، سرکوب و به‌خصوص عدم پرداخت دست‌مزدها بالاست که خود رسانه‌های وابسته به نظام قادر به انکار آن‌ها نیستند.

در هر صورت قصد بر آن نیست تا در گرامیداشت اول ماه مه، بیش‌تر پیرامون پیدائی روز جهانی کارگر، و یا به مجموعه‌ای از اعتراضات کارگری در زیر سلطه نظام وابسته جمهوری اسلامی اشاره شود. زیرا که به‌طور سالانه و روزانه، در حول و حوش آن‌ها، گفته و نوشته می‌شود. ولی آنچه، حائز اهمیت است نه خوانش و گویش مقام و منزلت طبقه کارگر [و آن هم به‌عنوان یگانه طبقه پیگیر]، بلکه پافشاری به موقعیت وی در برابر دولت‌های امپریالیستی است؛ پافشاری به علی‌عدم پیش‌روی‌های درخور شایسته کارگران از یک سو و تعرض افسار گسیخته صاحبان تولیدی، کارفرمایان و صاحب‌منصبان از سوی دیگر است؛ صاحب منصب‌هایی که به یمن دم‌دستگاه‌های تبلیغاتی و سرکوبگرشان، تا توانسته‌اند به زیست و به هستی کارگران تعرض کرده‌اند؛ تا توانسته‌اند از قبل کار کارگران، بر ثروت‌های بادآورده‌شان افزوده‌اند و تا توانسته‌اند بر سرمایه‌ها و منابع طبیعی جامعه، چنگ بیش‌تری انداخته‌اند.

پس این پُرسش‌ها مطرح است که، چه‌طور می‌شود جامعه کارگری را از شرایط اسفبار نجات داد و مانع بیش از پیش تعدی و تجاوز کارخانه‌داران، کارفرمایان، حکومت‌مداران و دولت‌مداران شد؟ چه‌طور می‌شود بر شکاف عظیم طبقاتی فائق آمد و ثروت‌های جامعه را در میان صاحبان اصلی آن تقسیم کرد؟ مهم‌تر این‌که در بستر کدام و یا کدامین سیاست‌ها

و میدان‌های فعالیتی‌ست که می‌توان ریلِ زیان‌بارِ کنونی را تغییر داد و استثمارگران و سرکوبگران را از میدانی تولیدی و جامعه پس زد؟

پاسخ یک موضوع قطعی‌ست که نظام‌های سرمایه‌داری، سازمان‌های مخوف و کنترل‌کننده خود را در برابر درخواست‌ها و اعتراضات کارگری علم کرده‌اند و با هوشیاری کامل، در صدد انحراف و کنترل جنبش‌های کارگری، شناسائی و دستگیری کارگران معترض‌اند. عقبراندن چندین‌بارۀ کارگران در زمان‌های متفاوت، به‌غیر از دقت و هوشیاری سردمداران نظام وابسته جمهوری اسلامی در برابر نیازها و مطالبات کارگران نیست؛ به‌غیر از این نیست که خشت طبقه حاکمه ایران با زور و با سرکوب عریان ریخته شده است و تحت هیچ شرطی، حاضر به محترم شمردن حقوق و نیز پرداخت دست‌مزدهای کارگران نیست. زبان نظام جمهوری اسلامی، زور و خشونت است. بر این اساس سخت نیست تا به این نظر اصرار داشت که می‌توان [و در حقیقت می‌شود] با سیاست‌های افشاءگرانه [و آن‌هم در محیط‌های غیرخودی] هم وظایف کمونیستی خود را پی گرفت و در همان حال انتظار برپا شدن پرچم تشکلات مطابق با سیاست‌های "سازمانی - حزبی" را، در میدانی تولیدی داشت. آشکارتر این‌که نمی‌شود با تعیین و تکالیف روزانه [و آن‌هم بدون ارتباط و بدون رودروئی با نهادها و ارگان‌های سدکننده تشکلات کارگری]، کارگران را از وضعیت دلخراش بیرون آورد. ایراد کار در بی‌سامانی، در بی‌تشکیلی و یا در بی‌حضور فعال کارگران ایران در برابر حکومت‌مداران و دولت‌مردان نیست. درست است که پیوند و ارتباط بخش‌های مختلف کارگری کم‌رنگ است؛ درست است که جامعه کارگری ایران فاقد سازمان متناسب با قاعده‌بندی‌های جامعه است، ولی در عوض طینت اعتراضات کارگران همواره زنده و پویاست. جنب‌وجوش‌های دیرینه کارگران و به‌خصوص عکس‌العمل‌های بیش از چهار دهه آنان، نمودار نظرگاه طبقه کارگر نسبت به حقوق پایمال شده‌اش توسط طبقه سرمایه‌داری وابسته ایران است. یعنی این‌که طبقه کارگر ایران بیش از اندازه به "تکالیف"ش آشنا، و پیش رفته است؛ بیش از اندازه، جلوتر از نمایندگان سیاسی‌اش در برابر نهادها و ارگان‌های رنگ‌وارنگ نظام است. به‌همان میزانی که ماشین تفتیش عقاید، استثمار و سرکوب نظام حاکم در ایران در حرکت است، به‌میزانی به‌مراتب بیشتر، ماشین اعتراضات کارگران در پیش است. پس صدور فرامین کارگری [از تشکیل اتحادیه، سندیکا و شورا گرفته تا مسلح شدن] را که از سوی این و یا آن، از این "سازمان" و یا آن "حزب" که مدت‌هاست به مزه سیاسی‌شان تبدیل شده است، به حساب راحل معضلات رودروئی کارگران گذاشت، بلکه مضر و نیز نمایانگر بی‌مسئولیتی آنان در قبال کارگران است. منظور از این‌که کمترین ناروشتائی در میان کارگران برای طرح مطالبات‌شان نیست. پیداست که فشارهای سیاسی - اقتصادی در حوزه‌های متفاوت به نوبه خود عامل و محرک اعتراضات کارگری و توده‌ئی است. جامعه و کارگران ایران نیاز مبرم به‌حضور و به دخالت‌گری نیروهای متعلق به‌خود در برابر ارگان‌های سدکننده و سرکوبگر نظام دارند. پیداست که دو نیروی متضاد از هم [یعنی طبقه سرمایه‌داری و طبقه کارگر] در میدان و در جدل نابرابر هستند و در مقابل بیش از چهار دهه است که فضای سیاسی جامعه، خالی از عکس‌العمل‌های متناسب با حامیان کارگران و دیگر توده‌های دردمند است. همین نقیصه باعث شده است تا جامعه کمتر شاهد رشد و پیش‌رفت اعتراضات کارگری و توده‌ئی باشد. نقیصه‌ای که سرمایه‌داران ایران از آن راضی هستند و نیز می‌دانند که کارگر بدون سازمان کمونیستی مطابق با منافع خود، از چنبره کنونی‌اش بیرون نخواهد آمد؛ می‌دانند که حصارهای اعتراضی، بدون نیروی سوم [یعنی سازمان وابسته به طبقه کارگر] فرو نخواهند ریخت و ساختمان طبقه سرمایه‌داری دست نخورده باقی خواهد ماند. پس تغییر قالب کنونی، نه به عهده کارگران بلکه از زمره وظایف نمایندگان حقیقی و عملی طبقه کارگر به حساب - آمده و - می‌آید.

ختم موضوع این‌که بزرگترین مراقبت از اوّل ماه مه، نه شرح و بیان وظایف تکراری برای کارگران، بلکه صحبت سرراست با آنان و به ویژه تعیین و تکلیف با سیاست‌های عملی خودی است؛ مواردی که متأسفانه [و تابع‌حال] بدان‌ها اشاره و دقت نشده است.

۲۹ اپریل ۹/۲۰۲۲ اردیبهشت - ثور ۱۴۰۱